

خروج از ناخودآگاه به خود آگاه (ش.ش)

خروج از ناخودآگاه به خود آگاه (ش.ش) هر گاه فهمی که در ارتکاز عالم و متعلم است (و نفس مدرک او گاه و بیگاه برق لامعی از آن را می بیند) تبدیل شود به فهمی که بطور نسبی برایش هشیارانه واضح شود و بتواند آن را با اندکی انسجام موجه بزبان جاری کند این تحول رخ داده است.

مثلا دانشمند ناخودآگاهانه در نفس خود گاهی میابد که احتمالا گیاهان در توالد و تناسل ممکن است واجد احساس باشند یا حیوانات درک زیبایی شناختی دارند. (تصوری ضعیف و زودگذر) اما پس از پیگیری این امر هر از گاه و تروی، آن را به فرضیه تبدیل می کند و مورد محک قرار می دهد. همین که عرف دانشسرایی تصدیق کند که این امر خود آگاهانه درک شده، این تحول رخ داده است.